



پایان اشعار

مسائی ایزدخواستی

تدوین: ولی الله خدّامی

سرشناسه: مسائی، محمد، ۱۲۷۵ هجری قمری
عنوان و نام پدیدآور: دیوان اشعار مسائی ایزدخواستی / تدوین ولی الله خدای
مشخصات نشر: قم، میراث ماندگار، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
موضوع: مجموعه شعر - فارسی - قرن ۱۳ ق
موضوع: مجموعه شعر - مدح اهل بیت - مرثیه.
رده بندی کنگره: ۱۳۹۴ ۸۷ ط ۴۶/۴۶ PIR
رده بندی دیوبی: ۷۵۰/۲۳۹
شماره کتابشناسی ملی: ۴۰۵۳۶۴۱

نام کتاب: دیوان مسائی ایزدخواستی

شاعر: محمد مسائی

تدوین: ولی الله خدای

ناشر: میراث ماندگار

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۱۴۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۹۵۹-۰۸-۲

مرکز پخش:

قم، خیابان ارم، پاساژ قدس، طبقه آخر، پلاک ۱۸۴

تلفن: ۰۲۵-۳۷۷۳۰۳۶۵

کلیه حقوق چاپ برای مولف محفوظ است

فهرست مطالب

.....	۱۸	"زبان حال امام حسین علیه السلام هنگام سفر"
.....	۱۸	"زبان حال امام با حضرت زینت علیها السلام "
.....	۱۸	"زبان حال حضرت زینب به آن جناب"
.....	۱۹	"جواب امام حسین علیه السلام به حضرت زینب علیها السلام "
.....	۲۰	"زبان حال حضرت زینب سر قبر جد خود رسول الله صلی الله علیه و آله "
.....	۲۱	"گفتگوی سنان در پیشمیرید لعنة اله علیه"
.....	۲۱	"گفتگوی شمر ملعون در پیشمیرید ملعون"
.....	۲۵	"امام حسین علیه السلام "
.....	۲۹	بهاریه
.....	۳۰	در توحید و مناجات
.....	۳۲	فی نعت پیامبر اعظم حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله
.....	۳۲	در مدح ساقی کوثر، شافع محشر علی (علیه السلام)
.....	۳۵	در مدح مولی الموالی علی ابن ابوطالب (علیه السلام)
.....	۳۷	تضمین غزل خواجه حافظ علیه الرحمه
.....	۴۰	در مدح یعسوب الدین مولا امیرالمؤمنین (علیه السلام)
.....	۴۳	در مدح شاه انس و جان مولا امیرالمؤمنین علی (علیه السلام)
.....	۴۶	مخمس در مدح ولی سبحانی علی عمرانی (علیه السلام)
.....	۵۴	در مدح مظهر حی سبحان و مظهر کون و مکان علی (علیه السلام)
.....	۵۹	مدح و منقبت حماسه ای در وصف مولا علی (علیه السلام)
.....	۶۳	فی مدح والتجاء به علی مرتضی (علیه السلام)
.....	۶۴	در مدح مولا علی عمرانی (علیه السلام)

- تضمین غزل خواجه حافظ شیرازی علیه الرحمه ۷۰
- تضمین غزل خواجه حافظ علیه الرحمه ۷۲
- تضمین غزل خواجه حافظ علیه الرحمه ۷۴
- در توصیف باری تعالی و منقبت مولا علی (علیه السلام) ۷۷
- در مدح امام برحق ولی مطلق علی (علیه السلام) ۸۱
- در مدح شاه انس و جان علی (علیه السلام) ۸۶
- مخمس ۸۷
- و له ایضاً ۹۰
- در مدح علی مرتضی و روضه منور مطهر آن حضرت (علیه السلام) ۹۲
- قصیده در مدح حضرت امیر (علیه السلام) ۹۷
- چشمه کوثر ۹۹
- در مدح حضرت اباعبدالله الحسین (علیه السلام) و روضه منور و مطهر آن ۱۰۱
- در مدح حضرت عباس و شکایت حماد ۱۰۳
- و له ایضاً ۱۰۵
- و له ایضاً ۱۰۶
- فی تنبیه نفس الاماره گوید مسائی (علیه الرحمه) ۱۰۷
- و له ایضاً ۱۱۰
- در نزول وحی ۱۱۲
- و له ایضاً فی رثاء فرمایند ۱۱۸
- اسیر شدن شمر و نجات او به دست امام حسین (علیه السلام) ۱۲۲
- و له ایضاً ۱۲۹
- مرثیه ۱۳۰
- و له ایضاً ۱۳۲
- در مدح، میدان رفتن و شجاعت حضرت ابوالفضل العباس (علیه السلام) ۱۳۵
- در شهادت حضرت شاهزاده علی اکبر (علیه السلام) گفته است ۱۴۴
- مرثیه من کلام مسائی (علیه رحمه) ۱۴۸
- مخمس تضمین از سعدی شیرازی، مرثیه در وصف حضرت علی اکبر (علیه السلام) ۱۴۹

شورش کربلا.....	۱۵۱
در شهادت حضرت علی اصغر (علیه السلام).....	۱۵۵
در وصف میدان رفتن و شهادت حضرت ابا عبدالله الحسین (علیه السلام).....	۱۶۰
مدار کج روشی در وصف شهدای کربلا.....	۱۷۰
در وصف شهادت وهب روز عاشورا.....	۱۷۰
دیباچه رباعیات از مسایی.....	۱۷۸
در مدح ولی ذوالجلال گوهر بحر کمال علی (علیه السلام).....	۱۹۱
دیباچه قصاید می باشد.....	۱۹۳
ترجیع بند.....	۲۰۵
مثنوی.....	۲۰۸

مقدمه

سپاس ستایش خداوندی را درخور است که یگانه دردانه اقیانوس بی‌پایان عرفان و سرتی در سویدای دل بیدلان است. بزرگی که گاه با جذبه‌ای دولت‌بیدار را به بالین بنده‌ای می‌فرستد و او را از زمین جدا می‌کند و به عرش خویش می‌خواند و گاه علم بزرگی و بی‌نیازی می‌فرازد و هوش از سر دلباخته مجنون خویش می‌رباید. گنجی مخفی که بندگان با شناخت جز جانبازی و هلاک راهی نمی‌شناسند «آنجا جز آن که جان بسپارند بهره نیست» و در قبال این شهادت بزرگ وعده پاداش عظیم دریافت می‌دارند.

از میان خیل هواخواهان حضرت در مسائی که «ملائک در میخانه می‌زدند» یکی را جرعه‌ای از آن اقیانوس در کام و او را «مسائی» نام کردند. زبانش را به حدیث عشق ازل گویا و روح او را تا ابد نامیرا ساختند. وی را برخوان کرم حضرتش نشاندند و عاشنی محبت محمد مصطفی ﷺ و علی مرتضی ﷺ و خاندان والا عرش را بر این مانده آسمانی در افزودند. خرما آن که ریزه خوار خوان الوهی و پرورده آستان ربوبی گردد.

جوشش محبت خاندان عصمت و طهارت از دل مسائی، این شاعر روشن ضمیر، برخاسته و بر زبانش جاری شده و بر جای مانده و شاعر خود به دیار باقی در جوار محبوب شتافته و آنچه امروز در دست ماست، مجموعه اوراق و دست نوشته‌هایی است که پس از سالیان، از تاراج و دستبرد روزگاران محفوظ نمانده و تا حد امکان بازخوانی شده و ترتیب یافته است و به دوستداران هنر و عرفان تقدیم می‌گردد.

شاعر این ابیات محمد متخلص به مسائی متولد قریه ایزدخواست بوده است پدرش ملا عبدالله حجار از اهالی ایزدخواست واقع در بخش شمالی استان فارس، شهرستان آباده و مادرش شاه بیگم از سادات محترم رامشه، روستایی از توابع بخش جرقویه علیا در استان اصفهان بوده است. سال تولد او معلوم نیست. امادر روستای ایزدخواست سنگ مزاری برای او تدارک کرده بوده اند که ماده تاریخ فوت او را چنین ثبت کرده است

روز ششم ابی، لقای حیدر بود پیش ز فوت «غش» آمد آخر

«غش» به عدد است ۱۳۰۰ بر می گردد، اما روی همین سنگ وفات او در ماه صفر ۱۳۰۱ هجری قمری درج شده است و ما این قول را مرجح می دانیم. هم چنین بنا به گفته بعضی که زندگی او را تنها بیست و یک بهار دانسته اند، سال ولادتش باید ۱۲۸۰ هجری قمری بوده باشد. تحول روحی شاعر:

بنابر آنچه از قدمای روستای ایزدخواست شنیده شده، محمد از ابتدای کودکی حالات روحی ویژه ای داشته و نور محبت اهل بیت پیامبر ﷺ با تربیت مادر سیده اش به درون او تأیید شده است. اما روزی در آغاز جوانی، در حالی که تنها ۱۹ سال از زندگی او گذشته بود، در صحن امامزاده سیدعلی علیه السلام ایزدخواست به خوابی بی هنگام فرو می رود و رؤیایی صادقانه می بیند، در آن رؤیا سه نفر از سادات را بر سفره ای مشغول خوردن غذا می بیند. آنان او را بنام بدیع و شگفت «مسایی» صدا می زنند و بر سفره به همراهی دعوت می کنند. او ابتدا تعجب می کند ولی آنان تأکید می کنند «که تو را بنام مسایی می خوانیم. بیا با ما همسفره شو و از غذا تناول کن.»

محمد بهت زده دو سه لقمه ای را که در ظرف باقی مانده بود، می خورد و پس از برخاستن از خواب تغییری را در حالات خود حس می کند و از آن لحظه این توانایی را می یابد که اسرار ضمیرش را بر زبان جاری کند و شعر بسراید. برگزیدن نام شعری (تخلص) مسایی نیز از همین روست.

سبک و محتوای اشعار

مسائی اغلب اشعارش را برای مدح و ستایش امیرمؤمنان، حضرت علی علیه السلام نگاشته است. بسیاری از ابیات شعر او نیز در مدحت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام اختصاص یافته است.

در ابتدای دیوان مسائیه نسخه گونه ای دارد که در آن به شرح وقایع صحرای کربلا پرداخته است، به مناسبت هر صحنه، قطعه شعری سروده است که قابل استفاده در مجلس روضه خوانی و حتی شبیه خوانی صحرای کربلا نیز هست. این اشعار شامل مجلس هایی از قبیل زبان حال امام حسین علیه السلام هنگام سفر، زبان حال امام علیه السلام با حضرت زینب علیها السلام، گفتگوی شمر ملعون نزد یزید ملعون و ... است. از این که مسائی شاعر دست ارادت به پیغمبر مرادی داده باشد؛ اطلاعی در دست نیست، اما با توجه به محتوای اشعار به نظر می رسد رغبت و گرایشی به عرفان داشته است.

چنانچه از اشعار او برمی آید:

اگر خواهی حقیقت بین شوی از خود مجرد شو بزن در کیسوی تن آتش سوزان و بیرون شو
سکمان کن شمع هستی اندر اول گشت بی پروا قدم نه در خرابات مغان قالو ابلی بشو

که یحسان است اندر لب پیما می نه منم

ارادت به مولای متقیان علیه السلام نیز در تمامی اشعار وی به وضوح دیده می‌شود:

حروم در آرزوی توام یا علی مدد در انتظار وی توام یا علی مدد

همچون مسائی از پی صبح جمال تو دائم به جستجوی توام یا علی مدد

با توجه به این که شاعر در دوران قاجار می‌زیسته، دور از ذهن نیست که او را از شاعران سبک بازگشت ادبی بنامیم. سبکی که به طور تقریبی از دوران قاجار با پیشتازی شاعرانی چون صبايي کاشانی، نشاط، آذر بیگدلی و میرزا آقازاده گردید. شاعران این سبک مضمون یابی و نازک خیالی سبک هندی را رها نمودند و به دنبال ظرایف و زیبایی‌های شعری سبک خراسانی و عراقی به تدقیق در اشعار شعرای طراز اول ادب فارسی پرداختند.

بدین ترتیب شاعران چه به لحاظ قالب و چه محتوا به تأسی از شاعران دوران گذشته چون سعدی، خاقانی، عارفی، خاقانی و دیگر گویندگان سترگ ایران زمین پرداختند. بسیاری از شاعران این دوره، شعر را در خدمت مدح شاهان و درباریان قاجار به کار گرفتند و گروهی نیز به ستایش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اهل بیت پاک و مطهرش همت گماشتند و آثار بی‌بدیلی از خود به جای گذاشتند.

محمد مسائی نیز که در این زمان می‌زیسته است، از سبک سخن این دوره بهره برده است و آنچه از اشعار وی برمی‌آید، در غزل به سبک حافظ نظر داشته است و چند غزل از این شاعر نامدار را تضمین کرده است. به عنوان مثال مخمسی با این مضمون دارد:

جدا دره غم پای شاتم دافند بر من تشری عذب فراتم دافند

خط آزاوکی عالم ذاتم داوند دوش وقت سحر از غصه نجاتم داوند

واندران ظلمت شب آب حیاتم داوند

غیر از تضمین ابیات، واژگان شعری را در اشعار مسائی می بینیم که به واژگان اشعار خواجه شیراز بسیار نزدیک است مانند:

ز جام می تندی بزمی پرست کن به نیم جرعه فارغم زباده است کن

خراب چشم مست در کز غمزه مست کن بسین نیتی مرا ز شور عشق هست کن

اما در قصیده، شاعران قبل از حافظ نظر داشته و قصایدی با تشبیب و تسبیب و بیت تعلیمی دارد.

در مورد قالب های شعری این دیوان می توان به مطالب چندی اشاره کرد:

نخست آن که شاعر در پی تقلید صرف از شاعران گذشته نبوده و بخش اعظم دیوان او مشحون از مسمطای است. او علاوه بر سرایش غزل، قصیده، مثنوی و رباعی، در قالب های دیگر شعری نیز همچون ترجیع بند و ترکیب بند طبع آزمایی کرده است.

دیگر آن که از نظر طول اشعار از روش متداول فراتر رفته و به طور مثال غزلیاتی با طول بیش از سی بیت و قصایدی حدودا یکصد و هفتاد بیت دارد. علاوه بر اینها او خود را اسیر قواعد و قوالب شعری نکرده و فی المثل شعری با مطلع:

ز صوت صاحبان بسی نوای چنگ و تار به قد کینه ساقیان ز سرو جویبار به

دارد که آغازش را با قالبی نزدیک به چهارپاره آغاز کرده، بدین معنی

که ابیات پشت سر هم نوشته شده‌اند، اما در هر دو بیت مصاریع اول و دوم و چهارم هم قافیه هستند. تفاوت این اشعار با چهارپاره این است که در قالب مذکور مصراع نخست مقفی نیست و پس از سرایش پاره‌ای از شعر قالب آن را با مخمس ادامه داده است.

او طبع آزمایی‌های دیگری نیز در زمینه قافیه شعر نموده است که با توجه به سن جوان و ذهن دورپرواز او، چنین ابتکاراتی بدیع نمی‌نماید.

فوت شاعر:

در مورد فوت مسائی اقوال مختلفی وجود دارد که در زیر بدانها اشاره می‌شود:

نخستین قول آن است که محمد در سن بیست و یک سالگی با اصرار از پدر خود اجازه می‌گیرد تا زیارت عتبات مشرف شود. از این رو قطعه زمین در مزرعه سربند ایزدخواست مالک آن بوده؛ می‌فروشد و با سید محمد رامش‌های عازم دیار دوست می‌شود. پس از زیارت کربلا و اقامت چند روزه در جوار مولایش حسین علیه السلام و حضرت ابوالفضل علیه السلام به نجف اشرف می‌رود و بعد از مدتی راز و نیاز روبه‌روی محسن امیرالمؤمنین علیه السلام این اشعار را می‌سراید:

ای دل تو دمی ندمائی بشو

از بهر شمانیت این عالم را که

والی که از این جهان بزدت بیرون

با غرت و احترام خود بیرون رو

سپس به فکر فرو می‌رود و خطاب به همسفر خود می‌گوید: «چه خوب است که آدم همین جا بمیرد و دفن شود.» سپس به خوابی عمیق و جاودانه فرو می‌رود و از او تنها وصیت‌نامه‌ای و دفتر شعری باقی می‌ماند.

طبق روایت دوم وی به همراه همسفرش از زیارت عتبات بازمی‌گردد و در راه جان می‌سپرد و پیکرش را در امامزاده عبدالله ساوه به خاک می‌سپرند. روایت سوم نیز از مدفن او در قروه‌ی کرمانشاه خبر می‌دهد. به هر حال پس از فوت شاعر همسفر او، سید محمد رامش‌های، وصیت نامه و دفتر شعر را برای پدر مسایی، ملا عبدالله، می‌برد و او دفتر شعر را به دوست خود ملا قاسم که خادم امامزاده سیدعلی گل سرخ ایزدخواست بوده؛ می‌دهد و این نسخه دست به دست از پدر به فرزند می‌رسد.

با آن که نام مسایی پس از گذشت بیش از یک قرن خاموشی، هنوز در اذهان مردم آن شعر شناسان شنخته شده و ابیات او در سینه دوستدارانش محفوظ است، تا امروز دیوان اشعار او منتشر نشده بود، تا اینکه این کار به همت جناب آقای ولی الله خادمی فرزند علی خادمی از نوادگان ملا قاسم ایزدخواستی و نسخه‌خوانی و تصحیح ایشان و یاری دوستان به ویژه ارادتمندان مسائی از روی نسخه ملا حسین خادمی و یک نسخه از برادرزادگان مسائی به نام منصور و ناصر مسائی فرزندان علی ملا عبدالله ایزدخواستی که از کهر و شهرضا و تهران با ما همکاری کردند و سه نسخه دیگر که از دوستان و آشنایان از شهرهای دیگر دسترس بوده است و به سبب گذشت زمان دچار خدشه و آسیب‌هایی شده بود، در واپسین روزهای بهار سال ۱۳۹۵ هجری شمسی به انجام رسید. باشد که این تلاش مورد قبول هواخواهان درگاه پاک نبوی و علوی علیه السلام قرار گیرد.

خرداد ماه ۱۳۹۵

طیبه صابری